

تحلیل راهبردهای نارکو تروریستی گروه‌های پ.ک.ک و پژاک و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۵-۲۰۲۵)

رشید رکابیان^{۱*}، مهدی پادروند^۲، محسن عزتی^۳

۱۶

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۶
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۸/۱۴

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۱۱/۶

صص: ۳۳۱-۳۶۲

شاپا چاپی: ۰۵۶۴X-۲۵۳۸
شاپا الکترونیکی: ۰۵۵۱-۲۷۱۷



چکیده
این پژوهش به تحلیل راهبردهای نارکو تروریستی گروه‌های پ.ک.ک و پژاک و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ می‌پردازد. با بهره‌گیری از چارچوب نظری «مکتب کپنهاگ» و نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان، پدیده نارکو تروریسم به‌عنوان تهدیدی ترکیبی و چندبعدی مورد بررسی قرار گرفته است که مرزهای سنتی امنیت را درنوردیده و ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی امنیت ملی را هدف می‌گیرد. بر اساس این، سؤال تحقیق طبق روش توصیفی تحلیلی پاسخ می‌دهد: «راهبردهای نارکو تروریستی گروه‌های پ.ک.ک و پژاک در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ در چارچوب نظریه‌های مکتب کپنهاگ چه تأثیراتی بر ابعاد مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟» یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این گروه‌ها با راهبردهایی همچون «ایجاد اقتصاد جنگی» از طریق تلفیق قاچاق مواد مخدر با فعالیت‌های تروریستی، «بهربرداری از شکاف‌های امنیتی مرزی»، «اجرای جنگ ترکیبی» و «توسعه شبکه‌های فراملی جرم سازمان‌یافته»، بحران امنیتی پیچیده و مداومی برای ایران ایجاد کرده‌اند. این تهدید ریشه در عواملی مانند بی‌ثباتی منطقه‌ای و تغییر استراتژی پ.ک.ک برای تأمین مالی و تحت فشار قرار دادن ایران دارد. در پاسخ، جمهوری اسلامی ایران راهبردهای مقابله‌ای چندوجهی شامل اقدامات امنیتی-نظامی تهاجمی و دفاعی، توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطق مرزی، دیپلماسی منطقه‌ای و مقابله فرهنگی-رسانه‌ای را در پیش گرفته است. اگرچه این راهبردها در کوتاه‌مدت موجب کنترل نسبی بحران شده، اما ماهیت فرامرزی و پیچیده تهدید نارکو تروریسم، لزوم تدوین راهبردهای جامع‌تر و تقویت همکاری‌های فراملی را برای حل ریشه‌های مسأله آشکار می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پ.ک.ک؛ پژاک؛ تجزیه‌طلبی؛ ایران؛ نارکو تروریسم.

DOI: 10.22080/jpir.2025.30226.1472

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران، (نویسنده مسئول).

ra.recabian@abru.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

padervand.mahdi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

m.ezati@gmail.com

۱. مقدمه

در چشم‌انداز امنیتی خاورمیانه، پدیده «نارکوتروریسم» به‌عنوان تهدیدی ترکیبی و پیچیده ظهور یافته که در آن اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر با ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز تلفیق شده است. گروه‌های پ.ک.ک و پژاک به‌عنوان بازیگران پیشرو در این عرصه، از راهبردهایی مانند «اقتصاد جنگی» و بهره‌برداری از شکاف‌های امنیتی مرزی استفاده می‌کنند. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و هم‌مرزی با کانون فعالیت این گروه‌ها، امنیت ملی کشور را در ابعاد پنجگانه (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش با به‌کارگیری چارچوب نظری مکتب کپنهاگ، به تحلیل راهبردهای نارکوتروریستی این گروه‌ها و تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران در بازه ۲۰۲۵-۲۰۱۵ می‌پردازد. هدف نهایی، ارائه درکی عمیق‌تر برای تدوین راهبردهای مقابله‌ای جامع در راستای صیانت از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. دلیل انتخاب عنوان پژوهش نیز به‌طور مستقیم از این مسأله سرچشمه می‌گیرد. تمرکز بر «راهبردهای نارکوتروریستی» به جای توصیف صرف فعالیت‌های تروریستی یا قاچاق، نشان‌دهنده نگاه راهبردی و سیستماتیک این پژوهش به پدیده مورد مطالعه است.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد پ.ک.ک و پژاک و تروریستی بودن این گروه‌ها مقالات و کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآمده است که به‌اختصار اشاره می‌شود.

۱. توپال مصطفی، کمال^۱ (۲۰۲۴). «جنگجویان زن در جنبش ملی کرد: دگرگون

کردن سیاست جنسیتی و PKK»: به بررسی دیدگاه ابزاری پ.ک.ک نسبت به زنان پرداخته است.

¹ Topal Mustafa, Kamal

۲. خدری، یاسمن و محسن، ندا (۲۰۲۳). «زنان کرد در ترکیه: سوءاستفاده از زنان توسط گروه‌های پ.ک.ک و پژاک». مصادیق سوءاستفاده از زنان توسط پ.ک.ک و پژاک را بررسی کرده است. این پژوهش صرفاً به جنبه‌های اجتماعی فعالیت گروه توجه داشته و به ابعاد امنیتی و تروریستی آن نپرداخته است.
۳. آتیلای، آلتون‌تاش^۱ (۲۰۲۲). «رویکرد حزب چپ سوئد به تروریست بودن حزب تروریستی پ.ک.ک». این مقاله به بررسی مواضع کشورهای اروپایی پرداخته است. این مطالعه اگرچه به ماهیت تروریستی گروه اشاره دارد، اما تأثیرات آن را بر امنیت ملی ایران بررسی نکرده است.
۴. جیمز، براندون^۲ (۲۰۱۸). «حزبی برای زندگی آزاد در کردستان: بال ایرانی پ.ک.ک قدرت خواهد گرفت». پژاک را به‌عنوان ابزار توسعه نفوذ پ.ک.ک در ایران معرفی می‌کند.
۵. رکابیان، همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «نارکوتروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی (2018-2023) به راهبردهای منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند و استدلال می‌کنند که مهم‌ترین راهبرد دستگاه سیاست خارجی ایران برای مقابله با تهدید نارکوتروریسم در آسیای مرکزی، «همکاری با کشورهای این منطقه در ابعاد مختلف» بوده است.
۶. صالحیان، پادروند (۱۳۹۹) نارکوتروریسم در آسیای مرکزی، تهدیدهای پیش رو و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه برای مقابله با آن» به باور نویسندگان، قاچاقچیان مواد مخدر از طریق انجام عملیات‌های تروریستی (نارکوتروریسم) مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه آسیای مرکزی ایجاد کرده‌اند.

¹ Attila, Altuntas

² James, Brandon

۷. قوام، پادروند (۱۳۹۸) «نارکو تروریسم و تهدیدهای پیش روی راهبرد سیاست خارجی چین در آسیای میانه». در این راستا با استفاده از نظریه «موازنه تهدید» به بررسی راهبردهای مقابله‌ای چین کند با ایجاد ائتلاف و همکاری با کشورهای مهم این منطقه از جمله روسیه و ایران در قالب سازمان همکاری منطقه‌ای نظیر شانگهای و اکو پرداخته‌اند. براساس این تمامی مطالعات پیشین نتوانسته‌اند به‌طور جامع به تحلیل راهبردهای نارکو تروریستی پ.ک.ک و پژاک و تأثیر چندبعدی آن بر امنیت ملی ایران در چارچوب نظری مکتب کپنهاگ پردازند. این خلأ را پژوهش حاضر پوشش می‌دهد.

۳. مبانی نظری تحقیق

۳-۱. مبانی نظری: رهیافت مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی

اندیشیدن به امنیت و معضلات امنیتی به پیدایش مکاتب مختلف امنیتی منجر شده است. هریک از این مکاتب با توجه به مبانی و رویکردهای متفاوت به مفهوم‌سازی و تبیین ابعاد تحلیل چارچوب مفهومی امنیت پرداخته‌اند که حاصل آن مجموعه‌ای از ایده‌ها، روش‌ها و مطالعات موردی است که به «مطالعات امنیتی»^۱ مشهور شده است. داوری در این باره که کدام مکتب فارغ از نگرش مؤسسان و طرفداران بر دیگری برتری دارد، آسان نیست، پیچیدگی و چندلایه بودن و تنوع عوامل مؤثر در ایجاد پایداری، زوال و یا نابودی امنیت باعث شده است که هیچ‌یک از مکاتب موجود به‌رغم توان ادعایی، نتوانند همه زوایای موضوع را بررسی کنند و نویدبخش وضعیتی رضایت‌بخش باشند. ناتوانی در تبیین تمامی وجوه امنیت، همواره عرصه را برای ظهور نظریات و مکاتب جدید باز گذاشته است که در نقد نظریات و مکاتب موجود و تلاش نظری و

¹ Security studies

عملی برای بازنمایی وجوه مورد نظر برای خود هویت‌سازی کرده‌اند (قیصری، ۱۳۹۲: ۶).

بر اساس این، یکی از برجسته‌ترین مکاتب که با ارائه تعریف چندبعدی از امنیت، جایگاه مهمی در مطالعات امنیتی به دست آورد، مکتب کپنهاک است. این مکتب با توجه به اینکه بر مطالعات امنیتی استوار است از اولین رهیافت‌هایی می‌باشد که به دنبال پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است. یکی از مهم‌ترین چارچوب‌هایی که از جانب مکتب کپنهاک برای بررسی دقیق‌تر مطالعات امنیتی در سطح منطقه‌ای مطرح شده است، «نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای» است که توسط باری بوزان^۱ در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۲ ارائه شد (داداندیش، کوزه‌گرکالچی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

باری بوزان در این کتاب، امنیت اجتماعی^۳ را یکی از مهم‌ترین ابعاد پنج‌گانه امنیت معرفی کرده است. به این معنا که امنیت اجتماعی در کنار سایر ابعاد امنیت از جمله امنیت اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و همچنین نظامی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، باری بوزان اشاره می‌کند که امنیت اجتماعی و اقتصادی مستقل از امنیت دولت نمی‌باشد. (Buzan & Waever, 1997: 43-46) اما منظور از امنیت اجتماعی از دیدگاه باری بوزان به معنای این نیست که هر گروه اجتماعی را جامعه نامید. در دیدگاه باری بوزان امنیت اجتماعی یک اصطلاح است که ناظر بر کل جامعه می‌باشد نه امنیت گروه خاصی در یک جامعه (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۱۴۸).

جدا از مطالب فوق، باید به تعریف «مجموعه امنیتی» از دیدگاه باری بوزان پردازیم. متداول‌ترین تعریف ارائه‌شده از سوی بوزان بدین شرح است: مجموعه امنیتی عبارت

¹ Bari Buzan

² People, governments and fear

³ Social security

است از «گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آن‌ها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد.» مجموعه‌های امنیتی را می‌توان الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف کرد. متغیرهای تاریخی، از قبیل دشمنی‌های پایدار یا فرارگرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی‌های خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن بر توازن قوا و نیز ناشی از فشار نزدیکی جغرافیایی است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۷).

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نظریه‌ای روش‌شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای برای تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل است. این روش-نظریه، به علت انتخاب سطح تحلیل به عنوان مبنای خود، نظریه «محیط‌شناسی امنیتی» نیز محسوب می‌شود. تقسیم جهان به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مشتمل و مرتبط با یکدیگر موجب می‌شود تا نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، چهار سطح تحلیل متفاوت منطقه‌ای را به یکدیگر پیوند زده و در هر سطح مشخص نماید که چه چیزی باید برای تحلیل مبنا قرار گیرد. در تراز داخلی، یعنی در درون دولت-کشورهای منطقه‌ای، «آسیب‌پذیری» آن‌ها معیار اصلی است. تراز بعدی، روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر است. تراز سوم، تعامل یک مجموعه امنیتی با مجموعه‌های امنیتی همسایه است و در نهایت، تراز قدرت‌های جهانی و نقش آن‌ها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۶).

اما پس از ارائه مهم‌ترین متغیرهای مورد تحلیل در نظریه مجموعه امنیتی، باید به ساختارهای بنیادین این مجموعه امنیتی نیز توجه کنیم. ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی شامل چهار متغیر است که آن را از همسایگان خود متمایز می‌کند: ساختار آنارشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار

تشکیل شده باشد؛ قطب که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست و ساخت اجتماعی که شامل الگوی دوستی و دشمنی میان واحدها می‌باشد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در مجموع باید گفت ایده اصلی این نظریه آن است که چون انتقال تهدیدها در فواصل کوتاه‌تر به مراتب آسان‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی‌تر است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای مجموعه‌های امنیتی تبدیل می‌شود.

از سوی دیگر، نظریه مجموعه امنیتی با در نظرگیری رهیافتی نوین در مطالعات امنیتی و تلاش برای خروج از دایره تنگ نظامی، به دیدگاه کسانی که امنیت را تک‌بعدی و محدود به ابعاد نظامی می‌دانستند، نقد وارد ساخته و امنیت فراگیر و چندبعدی را معرفی می‌نماید. باری بوزان با تلاشی مضاعف، امنیت تک‌بعدی را مورد پرسش قرار داده و آن را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داده است (Buzan & Waever, 1997: 241)؛ چراکه پس از جنگ جهانی دوم، امنیت در ابعاد مختلف توسط گروه‌ها و احزاب دولتی و غیردولتی با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است. این مسأله مورد توجه باری بوزان و ویور قرار گرفته و توسط آنان مورد بررسی واقع شده تا سیاست خارجی کشورهای مختلف در این راستا با مبانی نظری جدیدی تجزیه و تحلیل شود. بوزان معتقد است که دولت دیگر تنها مرجع امنیت نیست، بلکه افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه و تروریسم، همگی در ابعاد امنیت مرجع به‌شمار می‌روند. در خصوص چندبعدی بودن امنیت، او بر این باور است که باید تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن و از همه مهم‌تر مذهب را درک نمود.

باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است که باید امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود پدیده‌ای به نام تهدید درک می‌شود. این تعریف بوزان به تعریف امنیت در دوران جنگ سرد که تک‌بعدی و مورگتایی بود

نزدیک است. ولی خود بوزان امنیت را پس از جنگ سرد، دیگر در نبود تهدید سنتی تعریف نمی‌کند. وی می‌گوید: «امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود». از نظر بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود؛ افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه‌ها و تروریسم، همگی در ابعاد امنیت مرجع هستند. (Buzan, 2000: 13-22) با بهره‌گیری از چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان، منطقه مرزی ایران را می‌توان به‌عنوان یک مجموعه امنیتی در نظر گرفت که در آن امنیت کشور ایران با تحرکات گروه‌هایی مانند پ.ک.ک و شاخه‌های آن به‌طور جدی گره خورده است. بر اساس این نظریه، تهدیدهای امنیتی در مناطق مرزی به سبب نزدیکی جغرافیایی و ساختار آنارشیک حاکم، به‌سرعت انتقال یافته و ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از منظر مکتب کپنهاگ، تهدیدهای این گروه‌ها تنها به بعد نظامی محدود نبوده و در ابعاد چندگانه امنیتی عمل می‌کند. در بعد سیاسی، این گروه‌ها با تضعیف حاکمیت ملی و ایجاد ناامنی، مشروعیت دولت را مورد هدف قرار می‌دهند. در بعد اقتصادی-اجتماعی، از طریق قاچاق مواد مخدر به تخریب بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌پردازند.

براساس نظریه امنیت فراگیر، فعالیت این گروه‌ها حتی محیط زیست منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. تخریب مراتع، آلودگی ناشی از تولید و انتقال مواد مخدر و ایجاد موانع برای توسعه پایدار، از جمله تأثیرات زیست‌محیطی این تهدیدهاست که براساس نظریه بوزان باید در تحلیل امنیتی مورد توجه قرار گیرد. درنهایت، با تطبیق سطوح چهارگانه تحلیل مجموعه امنیتی، می‌توان تهدید پ.ک.ک را در سطوح داخلی (آسیب‌پذیری مناطق مرزی)، روابط منطقه‌ای (تعامل با بازیگران فرامرزی)، تعامل با

مجموعه‌های امنیتی همسایه و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای تحلیل کرد که همگی نشان از پیچیدگی و چندلایه بودن این تهدید امنیتی دارد.

۲-۳. مفهوم‌سازی نارکو تروریسم: از نظریه تا عمل

در گونه‌شناسی تروریسم، نارکو تروریسم گونه‌ای از تروریسم است که با یکی از مهم‌ترین اشکال جرایم سازمان‌یافته، یعنی قاچاق مواد مخدر، ترکیب می‌شود. بنابراین، اولین عنصر تشکیل‌دهنده نارکو تروریسم، ناشی از ماهیت ذاتی آن، یعنی تروریسم است. «تروریسم مرتبط با مواد مخدر» جلوه‌ای بارز از پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی است که در دو مفهوم اصلی نمایان شده است: مشارکت مستقیم تروریست‌ها در تجارت مواد مخدر برای تأمین مالی فعالیت‌های خود و نیز استفاده از روش‌های تروریستی از جانب سازمان‌های قاچاق برای تسهیل تجارت مواد مخدر (Haupt, 2009: 6). تروریسم مواد مخدر، به آن دسته از اعمال تروریستی اطلاق می‌شود که توسط گروه‌هایی به انجام می‌رسد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در کشت، تولید، انتقال یا توزیع مواد مخدر، دخالت دارند. امروزه، تعریف تروریسم براساس ایجاد رعب و وحشت از طریق انفجار، ترور افراد یا حملات مسلحانه سازمان‌یافته، تعریف رایجی است. اما تروریسم مواد مخدر که خطر بالقوه برای زندگی بشر محسوب می‌شود، تروریسم پنهانی است که در خدمت انواع تروریسم دیگر قرار دارد و به تعبیر بهتر، اقسام تروریسم را در خود جمع کرده است. به عبارتی دیگر نارکو تروریسم که به دست مافیای مواد مخدر و باندهای سیاسی قدرت در سطح جهان هدایت می‌شود تروریسم پنهانی است که به‌طور خزنده در خدمت انواع دیگر تروریسم است (Hartelius, 2008: 135). براساس این نارکو تروریسم، بر خشونت‌ی دلالت دارد که از سوی سوداگران مواد مخدر به کار گرفته می‌شود. منظور از نارکو تروریسم، حملات

سوداگران مواد مخدر با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و قانون‌گریزی به‌واسطه تهدیدات منظم و استفاده از خشونت است.

۳-۳. تحلیل جایگاه پ.ک.ک در منظومه تروریسم منطقه‌ای

حزب کارگران کردستان، به اختصار (PKK)، یک سازمان مسلح و سیاسی است که در سال ۱۹۷۸ توسط عبدالله اوجالان (که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد) تأسیس شد. به شاخه نظامی این سازمان، «نیروهای دفاع خلق» (HPG) گفته می‌شود. این حزب از سال ۱۹۸۴ برای کسب خودمختاری در کردستان ترکیه، مبارزه مسلحانه‌ای را علیه حکومت مرکزی این کشور آغاز کرده است. (Tahiri, 2007, p. 232)

این گروه اندکی پس از تأسیس، پایگاه خود را به مناطق کردستان در جنوب شرقی ترکیه منتقل کرد و در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸، نام «حزب کارگران کردستان» به‌طور رسمی برای آن تصویب شد. پ.ک.ک که از ابتدا در درگیری‌های خشونت‌بار با دولت ترکیه حضور داشت، رسماً از ایدئولوژی‌های مارکسیست-لنینیست و کومله‌ایسم (انقلابی کردی) حمایت نمود. در سال ۱۹۷۹، این گروه با قتل یک رهبر قبیله‌ای کرد به نام «مهدی زانا» که به ادعای آن‌ها، دهقانان را مورد سوءاستفاده قرار داده و با دولت ترکیه همکاری می‌کرد، یک اقدام تبلیغاتی انجام داد. (Palmer, 2016). پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در ترکیه، فشارها بر پ.ک.ک شدت گرفت و بسیاری از اعضای آن یا دستگیر و زندانی شدند، به اعدام محکوم گردیدند و یا مجبور به فرار به سوریه و لبنان شدند. پ.ک.ک به‌عنوان یک «سازمان تروریستی جداگانه» (FTO) توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ناتو و شمار زیادی از کشورهای از جمله ترکیه شناسایی شده است. این طبقه‌بندی براساس معیارهای زیر است: استفاده سیستماتیک از خشونت، هدف قرار دادن غیرنظامیان و فعالیت‌های فراملی (Altuntas, 2022: 15).

تحلیل جایگاه پ.ک.ک در منظومه تروریسم منطقه‌ای نشان می‌دهد که این گروه به یک بازیگر پیچیده در جغرافیای امنیتی خاورمیانه تبدیل شده است. براساس نظریهٔ مجموعهٔ امنیتی منطقه‌ای بوزان، پ.ک.ک نه تنها یک تهدید داخلی برای ترکیه محسوب می‌شود، بلکه به عاملی مهم در تعاملات امنیتی بین‌الدول منطقه تبدیل شده است. این گروه با ایجاد شبکه‌ای از روابط با سایر بازیگران غیردولتی و گاهی دولت‌های منطقه، توانسته دامنهٔ نفوذ خود را فراتر از مرزهای ترکیه گسترش دهد. موقعیت جغرافیایی کردستان ترکیه و هم‌مرزی با کشورهایمانند ایران، عراق و سوریه به پ.ک.ک این امکان را داده تا از شکاف‌های امنیتی منطقه برای تداوم فعالیت‌های خود بهره‌برداری کند.

۳-۴. تبارشناسی و تاریخچهٔ شکل‌گیری پژاک

واژهٔ پژاک^۱ یک سرنام (حروف اول) است که از نام این گروه به زبان کردی گرفته شده است. مخفف عبارت زیر است:

از چهار حرف (پ-ژ-آ-ک) که حرف پ مخفف پارتنی^۲، حرف ژ مخفف زندگی^۳، حرف آ مخفف آزاد^۴ و حرف ک مخفف کردستان^۵ است. که به فارسی به این معنی است: حزب زندگی آزاد کردستان است. بنابراین، این نام به‌طور کامل بیان‌گر آرمان اعلام شده این گروه برای «دستیابی به یک زندگی آزاد برای مردم کردستان» است (احمدزاده، ۱۴۰۲: ۳۷).

گروه پژاک (حزب زندگی آزاد کردستان) به‌عنوان یک سازمان مسلح کردی، در آوریل ۲۰۰۴ به‌طور رسمی اعلام موجودیت کرد. این گروه به‌عنوان شاخهٔ ایرانی حزب

^۱ PJAK

^۲ P - Partiya

^۳ J - Jiyana

^۴ A - Azad

^۵ K - a Kurdistanê

کارگران کردستان (PKK) تشکیل شد و به‌طور کامل تحت هدایت ایدئولوژیک و عملیاتی این حزب قرار گرفت. پایگاه اصلی فعالیت این گروه در مناطق مرزی ایران و عراق مستقر بوده و هدف اصلی خود را "دفاع از حقوق کردها در ایران" عنوان کرده است. رهبری پژاک را ابتدا عبدالرحمن حاجی احمدی بر عهده داشت و این گروه از همان ابتدا با انجام عملیات‌های مسلحانه علیه نیروهای نظامی و امنیتی ایران، به رویارویی مسلحانه با جمهوری اسلامی ایران پرداخت (دارا، طالشی، ۱۴۰۴: ۱۱۵).

از نظر سازمانی و ایدئولوژیک، پژاک کاملاً تحت نظارت و کنترل PKK عمل می‌کند و اعضای آن آموزش‌های نظامی و ایدئولوژیک خود را در اردوگاه‌های PKK در مناطق کوهستان قندیل دریافت می‌کنند. (عراقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹) این گروه در سال‌های فعالیت خود، بارها با نیروهای مسلح ایران درگیر شده و تلفات و خسارات قابل توجهی به همراه داشته است. پژاک نیز همانند PKK توسط شمار زیادی از کشورها از جمله ایران، ترکیه و ایالات متحده آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته است. فعالیت‌های این گروه به‌ویژه در استان‌های غربی ایران شامل آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه متمرکز بوده است.

۳-۵. تحلیل روابط عملیاتی و ایدئولوژیک پ.ک.ک و پژاک

از منظر ایدئولوژیک و عملیاتی، پژاک به‌عنوان بازوی کاملاً ادغام‌شده پ.ک.ک در ایران عمل می‌کند. مبانی فکری هر دو گروه بر مارکسیسم-لنینیسم و آرمان تشکیل کردستان سوسیالیستی استوار است و رهبری مشترک عبدالله اوجالان عامل وحدت بخش آنان محسوب می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۱: ۲۴۳) در بعد عملیاتی، این همکاری در قالب آموزش‌های نظامی مشترک، برنامه‌ریزی عملیات‌های هماهنگ و بهره‌برداری از شبکه‌های لجستیکی یکدیگر تبلور می‌یابد (اعظمی، دبیری، ۱۳۹۱: ۹۰). این اتحاد استراتژیک که در چارچوب نظریه "کنفدرالیسم دموکراتیک" قابل تحلیل است، تهدید

این گروه‌ها را از سطح یک ناآرامی محلی به یک چالش امنیتی فرامرزی ارتقا داده و مقابله با آنان را بدون اتخاذ یک رویکرد امنیتی جامع و منطقه‌ای غیرممکن ساخته است. رهبری معنوی و سیاسی عبدالله اوجالان نیز به‌عنوان عاملی وحدت‌بخش، نقش غیرقابل انکاری در همگرایی ایدئولوژیک این دو مجموعه ایفا می‌کند. (عراقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۳) این پیوند ناگسستنی، مقابله با یکی از این گروه‌ها را بدون توجه به دیگری غیرممکن ساخته و لزوم یک رویکرد امنیتی جامع و منطقه‌ای را برای کشورهای درگیر، به ویژه ایران و ترکیه، ایجاب می‌کند. این اتحاد استراتژیک، تهدید این گروه‌ها را از سطح یک ناآرامی محلی به یک چالش امنیتی فرامرزی ارتقا داده است.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی است که در چارچوب پارادایم کیفی و با اتکا به داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. در این روش، محقق با گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های موجود از منابع معتبری چون اسناد رسمی، گزارش‌های امنیتی، مقالات علمی و اخبار معتبر، به توصیف نظام‌مند پدیده «نارکو تروریسم» پرداخته و سپس با به‌کارگیری چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان، به تحلیل علی و تفسیر تأثیرات راهبردهای گروه‌های پ.ک.ک و پژاک بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران پرداخته است. این رویکرد، امکان درک عمیق‌تری از روابط پیچیده، انگیزه‌ها و پیامدهای این تهدید امنیتی را در بازه زمانی مشخص شده فراهم می‌سازد.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های تحقیق در دو محور اصلی ارائه می‌گردد:

۱. راهبردهای گروه‌های پ.ک.ک و پژاک علیه جمهوری اسلامی ایران: تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که این گروه‌ها از ترکیبی از راهبردهای نارکوتروریستی و امنیتی بهره می‌برند که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲. راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات پ.ک.ک و پژاک: جمهوری اسلامی ایران با درک چندبعدی بودن تهدید، راهبردهای جامعی را مثل راهبرد امنیتی - نظامی، راهبرد حقوقی - قضایی: و... در سطوح مختلف به کار گرفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. این راهبردها در چارچوب نظریه امنیت جمعی و با تأکید بر رویکرد چندبعدی به امنیت، طراحی و اجرا شده‌اند.

۱-۵. راهبردهای گروه‌های پ.ک.ک و پژاک علیه جمهوری اسلامی ایران

راهبردهای راهبردهای گروه‌های پ.ک.ک و پژاک علیه جمهوری اسلامی ایران زیاد هستند که در توضیحات به اهم آن‌ها اشاره خواهد شد و در ادامه در قالب جدول تکمیل می‌گردد.

۱-۱-۵. راهبرد ایجاد اقتصاد جنگی از طریق تلفیق قاچاق مواد مخدر با فعالیت‌های تروریستی

این راهبرد مبتنی بر ایجاد یک چرخه مالی خوداتکا و پایدار است که در آن درآمدهای کلان حاصل از قاچاق مواد مخدر، مستقیماً به تأمین مالی عملیات‌های تروریستی تزریق می‌شود. براساس نظریه «اقتصاد سیاسی درگیری»^۱، گروه‌های شورشی برای تداوم فعالیت‌های خود نیازمند ایجاد سازوکارهای مالی مستقل از حامیان خارجی هستند. پ.ک.ک و پژاک با تسلط بر کریدورهای قاچاق در مناطق مرزی، شبکه‌ای از تولید، ترانزیت و توزیع مواد مخدر را ایجاد کرده‌اند که به‌عنوان موتور محرکه مالی برای خرید تسلیحات، پرداخت حقوق نیروها و تأمین لجستیک عمل می‌کند. (Hazelton, 2021: 9).

¹ Political Economy of Conflict

از منظر عملیاتی، این گروه‌ها از مدل «یکپارچگی عمودی»^۱ در زنجیره تأمین مواد مخدر استفاده می‌کنند. کنترل این زنجیره از مناطق تولید در افغانستان آغاز شده و با عبور از کریدورهای مرزی ایران و عراق تا بازارهای مصرف اروپا ادامه می‌یابد. درآمدهای حاصله از این مسیر، امکان سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و نظارتی، تجهیز نیروها به سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین و اجرای عملیات پیچیده تروریستی را فراهم می‌کند. این رویکرد، نمونه بارزی از «تروریسم بازار-محور»^۲ است که در آن سوداگری مواد مخدر به بخش جدایی‌ناپذیر از معماری سازمانی تبدیل شده است (دارا، طالشی، ۱۴۰۴: ۱۲۷). پیامد راهبردی این مدل، ایجاد یک «چرخه معیوب ناامنی» است که در آن درآمدهای نارکو به گسترش دامنه عملیات تروریستی منجر شده و ناامنی ایجادشده، به نوبه خود زمینه را برای توسعه بیشتر قاچاق مواد مخدر فراهم می‌کند. این پویایی، مطابق با تئوری «تشدید درگیری از طریق اقتصاد غیرقانونی» امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف از جمله امنیت مرزی، اقتصادی و اجتماعی به چالش می‌کشد. مقابله با این پدیده پیچیده، مستلزم اتخاذ رویکردی چندبعدی و فرامرزی است که هم‌زمان به هر دو بعد تروریسم و اقتصاد غیرقانونی بپردازد.

۵-۱-۲. راهبردی بهره‌برداری از شکاف‌های امنیتی مرزی

از منظر نظریه «امنیت مرزی» پیتر آندریاس (۲۰۰۹)، مناطق مرزی ایران به دلیل ماهیت «حکمرانی شکسته» و ساختار آنارشیک حاکم بر آن، به کانون بهره‌برداری گروه‌های نارکو تروریستی تبدیل شده‌اند. ((Andreas, 2009: 56) پ.ک.ک و پژاک با شناسایی دقیق «گلوگاه‌های امنیتی» در مرزهای غربی ایران، به ایجاد کریدورهای قاچاق مواد مخدر و تسهیل نقل و انتقال نیروهای تروریستی اقدام می‌کنند. براساس گزارش

¹ Vertical Integration

² Market-Based Terrorism

مرکز مطالعات امنیت ملی ایران (۱۴۰۱)، این گروه‌ها از سه مکانیسم کلیدی بهره می‌گیرند: اول، استفاده از خلأ نظارتی در مناطق کوهستانی صعب‌العبور؛ دوم، بهره‌گیری از پیچیدگی‌های توپوگرافی مرزهای ایران - عراق و سوم، سوءاستفاده از محدودیت‌های فنی و انسانی در پایش مرزهای گسترده. این راهبرد مبتنی بر نظریه «اقتصاد سیاسی مرز» است که براساس آن، گروه‌های شورشی با تبدیل مرزها به «مناطق خاکستری»، امکان تداوم فعالیت‌های غیرقانونی را فراهم می‌کنند.

شواهد میدانی نشان می‌دهد که پ.ک.ک و پژاک با ایجاد «شبکه‌های لجستیکی انعطاف‌پذیر» در استان‌های مرزی آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه، موفق به نهادینه‌سازی مسیرهای قاچاق شده‌اند. براساس آمارهای منتشرشده توسط فرماندهی مرزبانی ناجا (۱۴۰۲)، حدود ۴۰ درصد از درگیری‌های مرزی در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۰ در مناطقی رخ داده که از «شاخص آسیب‌پذیری امنیتی» بالایی برخوردار بوده‌اند. گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان‌یافته ملل متحد (UNODC, 2022) نیز به‌وضوح به ارتباط بین «تمرکز فعالیت‌های پ.ک.ک در مناطق مرزی» و «افزایش کشفیات مواد مخدر» در کریدورهای غربی ایران اشاره دارد. از منظر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان، این وضعیت منجر به ایجاد «حلقه معیوب ناامنی» شده است: تشدید فعالیت‌های نارکوتروریستی، امنیت مرزی را تضعیف کرده و تضعیف امنیت مرزی به نوبه خود زمینه را برای گسترش بیشتر این فعالیت‌ها فراهم می‌کند. این پویایی، تهدیدی سیستماتیک برای حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود.

۳-۱-۵. راهبرد اجرای جنگ ترکیبی با تلفیق عملیات نظامی و جنگ روانی

پژاک به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار کلان پ.ک.ک عمل می‌کند. این گروه از معماری سازمانی مبتنی بر سلول‌های نیمه‌مستقل با قابلیت عمل مستقل اما هماهنگ‌شده بهره می‌برد. آن‌ها با فریب و وعده به جذب جوانان پرداخته که پایگاه‌های

آموزشی در کوهستان‌های قندیل عراق، هسته‌های لجستیک در اقلیم کردستان و شبکه‌های تدارکاتی در خاک ایران، سه ضلع مثلث عملیاتی این گروه را تشکیل می‌دهند. (Hazelton, 2021: 2-9). این گروه با تلفیق عملیات نظامی و جنگ روانی به اجرای راهبرد جنگ ترکیبی می‌پردازد. در بعد نظامی، از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن شامل حملات غافلگیرکننده به پاسگاه‌های مرزی، مین‌گذاری مسیرها و عملیات‌های کماندویی استفاده می‌کند. در بعد روانی، با تولید و انتشار گسترده محتوای تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی، ایجاد کانال‌های ماهوارای و بهره‌گیری از رسانه‌های بین‌المللی به جنگ روایی می‌پردازد. (Verma & Ali, 2023: 45-50). پژاک با دستکاری واقعیت‌های اجتماعی و تحریف تاریخ، به ایجاد گفتمان "تبعیض سیستماتیک" و "انکار هویت کردی" در ایران می‌پردازد. این گروه با استفاده از نظریه "قدرت نرم" جوزف نای، به تولید نمادها و روایت‌های احساسی می‌پردازد که هدف آن جذب جوانان کرد و مشروعیت‌زدایی از حکومت مرکزی ایران است. بر اساس این، با ایجاد پیوند ارگانیک بین قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های تروریستی، به توسعه "اقتصاد سیاسی خشونت" می‌پردازد (عراقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۳). درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر - که براساس گزارش‌های سازمان ملل سالانه به ده‌ها میلیون دلار می‌رسد - به تأمین مالی عملیات‌های نظامی، خرید تسلیحات و گسترش شبکه‌های پشتیبانی اختصاص می‌یابد. این مدل اقتصادی - امنیتی، نمونه‌ای بارز از پدیده "نارکو تروریسم" در نظریه‌پردازی‌های امنیت معاصر است.

در اغتشاشات اخیر ایران تحت عنوان "زن، زندگی، آزادی"، (۱۴۰۱) گروه پژاک با بهره‌گیری از راهبرد جنگ ترکیبی، به گونه‌ای نظام‌مند به تلفیق عملیات روانی با تحریک خشونت‌های خیابانی پرداخت. براساس گزارش مرکز مطالعات امنیت ملی ایران (۱۴۰۱)، این گروه با تولید و انتشار گسترده محتوای تحریک‌آمیز در پلتفرم‌های اجتماعی، سعی در تبدیل اعتراضات مسالمت‌آمیز به درگیری‌های خشونت‌بار داشت.

از منظر نظریه "جنگ ترکیبی"^۱ که توسط فرانک هافمن تدوین شده، پژاک با به‌کارگیری هم‌زمان مؤلفه‌های سخت و نرم، به عملیات‌سازی پرداخت. (Hoffman, 2007: 67) در بعد سخت، آموزش و سازمان‌دهی آشوب‌گران برای تخریب اموال عمومی و درگیری با نیروهای امنیتی مستندسازی شده است. براساس آمارهای رسمی، در استان‌های غربی ایران طی این حوادث، ۴۵ درصد از درگیری‌های مسلحانه با شناسایی ارتباط عوامل با شبکه‌های پژاک همراه بوده است.

در بعد جنگ روانی، پژاک از مکانیسم "جهانی‌سازی اعتراض" بهره گرفت. (Enders, 2022: 3-9) براساس تحلیل مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱)، این گروه با تولید پیام‌های هم‌سو با گفتمان فمینیستی رادیکال و با تحریف واقعیت‌ها، سعی در ایجاد ادراکی از "جنبش فراگیر" در افکار عمومی بین‌المللی داشت. هماهنگی زمانی بین تشدید خشونت‌ها در ایران با انتشار گزارش‌های جعلی در رسانه‌های غربی، نشان از برنامه‌ریزی قبلی این عملیات روانی داشت.

مستندات امنیتی نشان می‌دهد پژاک از نارضایتی‌های موجود به‌عنوان "سکوی برای عملیات" استفاده کرد. براساس نظریه "فرصت‌سازی سیاسی" چارلز تیلی، این گروه با بهره‌گیری از فضای اعتراضی، سعی در ایجاد "چندگانگی تهدید" برای سیستم حاکمیتی ایران داشت. (Tilly, 1978: 67). گزارش مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه (۲۰۲۲) به‌وضوح به انتقال مالی از طریق شبکه‌های پ.ک.ک به عناصر فعال در اغتشاشات اشاره دارد (https://www.mashreghnews.ir/۱۴۰۲/۲/۱۷). پیامد این راهبرد، ایجاد "ناامنی چندلایه" در مناطق مرزی بود. براساس آمارهای منتشرشده توسط فرمان‌دهی مرزبانی ایران، هم‌زمان با اغتشاشات، تلاش‌های عبور غیرقانونی مرز تا ۶۰ درصد افزایش یافت که نشان از بهره‌برداری عملیاتی پژاک از شرایط داشت. براساس نظریه «فرصت‌سازی سیاسی» (تیلی، ۱۹۷۸)، این گروه‌ها با بهره‌برداری از تحولات اجتماعی (مانند

¹ Hybrid Warfare

نارضایتی‌های اقتصادی و فضای باز سیاسی) به سازمان‌دهی شبکه‌های سلولی و ایجاد ساختارهای موازی فرهنگی - آموزشی اقدام کرده‌اند. (Tilly, 1978: 78). این راهبرد چندبعدی منجر به شکل‌گیری «تهدید فرامرزی پایدار» شده که مقابله با آن مستلزم طراحی راهبردهای چندبعدی و فرامرزی توسط جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۵-۱-۴. راهبرد توسعه شبکه‌های فراملی جرم سازمان‌یافته

براساس نظریه‌های «جنایت سازمان‌یافته فراملی» (Williams, 2001) و «شبکه‌های غیرمتمرکز» (Arquilla & Ronfeldt, 2001)، گروه‌های پ.ک.ک و پژاک با ایجاد شبکه‌های پیچیده جنایی در سه سطح عمل می‌کنند:

۱. در سطح کلان (ماکرو): این گروه‌ها با ایجاد اتحاد استراتژیک با کارتل‌های مواد مخدر آمریکای لاتین و گروه‌های تبهکاری اروپایی، یک «کریدور جنایی بین‌المللی» ایجاد کرده‌اند. براساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان‌یافته ملل متحد (UNODC, 2022)، این شبکه‌ها سالانه حدود ۱.۲ میلیارد دلار از طریق قاچاق مواد مخدر درآمد دارند که از مسیر بالکان-آناتولی-خلیج فارس عبور می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۰).

۲. در سطح میانی (مزو): پ.ک.ک و پژاک از معماری شبکه‌ای «ستاره‌ای-سلولی» استفاده می‌کنند. در این ساختار:

- سلول‌های عملیاتی مستقل اما هماهنگ

- استفاده از فناوری‌های رمزنگاری شده برای ارتباطات
- بهره‌گیری از شرکت‌های پوششی برای پولشویی

- ایجاد پایگاه‌های لجستیکی در مناطق خاکستری (Enders, 2022: 16)

۳. در سطح خرد (میکرو): این گروه‌ها با بهره‌گیری از نظریه «اقتصاد سیاسی مرز» (Andreas, 2009) به موارد زیر اقدام می‌کنند:

- جذب قاچاقچیان محلی با پرداخت دستمزدهای بالا
- استفاده از روش «درختکاری پول» در مناطق مرزی
- به‌کارگیری زنان و کودکان برای انتقال مواد
- ایجاد رانت اطلاعاتی از طریق نفوذ در نهادهای مرزی

این شبکه با بهره‌گیری از «شکاف‌های حکمرانی»^۱ در مناطق مرزی ایران-عراق-ترکیه، به یک «اکوسیستم جنایی» پایدار تبدیل شده که مقابله با آن نیازمند همکاری فراملی و رویکرد «امنیت جمعی» است.

بر مبنای نظریه «امنیت مرزی»^۲ اثر آندریاس^۳ (۲۰۰۹)، مقابله با این شبکه‌ها مستلزم اتخاذ راهبرد «مقابله شبکه‌ای یکپارچه»^۴ است. این راهبرد شامل چهار محور اصلی می‌باشد: نخست، ایجاد «هوش مصنوعی تحلیلی» برای شناسایی الگوهای رفتاری شبکه؛ دوم، تشکیل «گروه‌های عملیاتی مشترک فرامرزی»؛ سوم، اجرای «برنامه‌های توسعه اقتصادی هدفمند» در گلوگاه‌های قاچاق و چهارم، «مقابله مالی پیشرفته» برای هدف قرار دادن نظام بانکی سایه این شبکه‌ها (Andreas, 2009).

۵-۱-۵. راهبرد به‌کارگیری راهبرد نفوذ سیستماتیک در نهادهای محل

بر اساس نظریه «نفوذ سیستماتیک»^۵ در مطالعات امنیتی، گروه‌های پ.ک.ک و پژاک با بهره‌گیری از چارچوب نظری «برگمن» (۲۰۱۷) در مورد نفوذ نهادی، به‌صورت برنامه‌ریزی شده به نفوذ در نهادهای محلی ایران اقدام می‌کنند. این راهبرد در سه سطح اجرا می‌شود: در سطح خرد، با جذب و تطمیع کارکنان محلی نهادهای دولتی از طریق شبکه‌های قاچاق؛ در سطح میانی، با ایجاد روابط اقتصادی با تجار محلی برای ایجاد ائتلاف‌های غیررسمی و در سطح کلان، با نفوذ در شوراهای محلی از طریق نامزدهای

¹ governance gaps

² Complex Border Security

³ Andreas

⁴ Integrated Network Countering

⁵ Systemic Penetration

وابسته (Bergman, 2018:34). گزارش مرکز مطالعات راهبردی ناجا (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که ۲۳ درصد از موارد فساد اداری کشف‌شده در استان‌های مرزی غربی، دارای ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با شبکه‌های وابسته به این گروه‌ها بوده‌اند. این گروه‌ها با بهره‌گیری از نظریه «حکمرانی شبکه سایه»^۱ اثر گریم (۲۰۲۰)، به ایجاد شبکه‌های موازی تصمیم‌گیری در مناطق مرزی اقدام می‌کنند (Gryzmala, 2020: 67). براساس پژوهش میدانی مؤسسه مطالعات امنیت ملی (۱۴۰۲)، این فرآیند از طریق چهار مکانیسم صورت می‌گیرد: اول، ایجاد روابط رانته با مقامات محلی از طریق درآمدهای قاچاق؛ دوم، تأسیس نهادهای مدنی نمایشی برای نفوذ در بدنه اجتماعی؛ سوم، استفاده از شکاف‌های قومی-مذهبی برای تضعیف وفاداری نهادی و چهارم، به‌کارگیری ظرفیت‌های دیجیتال برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی محلی. داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که ۳۸ درصد از روستاهای مرزی استان کردستان در معرض ریسک نفوذ این شبکه‌ها قرار دارند. بر اساس این، مطابق با نظریه «امنیت نرم» مقابله با این تهدید مستلزم اجرای راهبرد «ایمن‌سازی نهادی»^۲ است (Nissen, 2015:78) این راهبرد شامل: استقرار سیستم نظارتی چندلایه در نهادهای محلی، اجرای برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی کارکنان، ایجاد سازوکارهای گزارش‌دهی شفاف و تقویت سیستم نظارت مردمی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی می‌باشد (همان: ۸۰). تجربه موفق استان آذربایجان غربی در اجرای طرح «شهروند - نگهبان» در سال ۱۴۰۰ که منجر به کشف ۱۷ مورد نفوذ در نهادهای محلی شد، مؤثر بودن این راهبرد را تأیید می‌کند. با توجه به ماهیت فعالیت این گروه‌ها، راهبردهای نارکوتوریستی پ.ک.ک و پژاک علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در ۱۰ محور زیر تبیین نمود:

¹ Shadow Network Governance

² Institutional Hardening

جدول ۱. راهبرد نارکو تروریستی پ.ک.ک و پژاک

سازوکار کلیدی	اهداف راهبردی نارکو تروریستی	راهبرد
تزریق درآمدهای قاچاق مواد به چرخه خرید تسلیحات و تأمین لجستیک	نظریه پیوند جرم و تروریسم تاماس و ساندرال، ۲۰۱۸	یکپارچه‌سازی اقتصادی و عملیاتی
بهره‌گیری از خلأ قدرت در مناطق مرزی برای ایجاد شبکه‌های قاچاق	نظریه حکمرانی شکسته	بهره‌برداری از شکاف‌های حکمرانی
استفاده از درآمدهای نارکو برای تقویت گریزهای مالیاتی و ایجاد تورم	نظریه جنگ اقتصادی نامتعارف	جنگ نامتقارن مالی
ایجاد اتحاد با کارتل‌های مواد مخدر برای تشکیل شبکه‌های جنایی	نظریه جهانی شدن جنایت سازمان‌یافته فیلیپ ویلیام	توسعه شبکه‌های فراملی جرم
تطمیع مقامات محای و نفوذ در نهادهای اداری و امنیتی	تئوری فروپاشی از درون	نفوذ سیستماتیک
استفاده از موقعیت مرزی برای ایجاد کریدورهای امن قاچاق	نظریه امنیت مری در ژئوپلیتیک انتقادی	بهره‌برداری ژئوپلیتیکی
تلفیق عملیات تروریستی، قاچاق مواد و جنگ روانی	نظریه امنیت مرزی در ژئوپلیتیک انتقادی	جنگ ترکیبی
سرمایه‌گذاری در تجهیزات پیشرفته ارتباطی و نظارتی	نظریه جنگ نامتقارن چند بعدی	سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین
ایجاد عب و وحشت در میان تجار و سرمایه‌گذاران محلی	تئوری کنترل از طریق ترس	جنگ روانی اقتصادی

بین‌المللی‌سازی منقشه	نظریه امنیت بین‌المللی	گسترش فعالیت به کشورهای همسایه برای بین‌المللی کردن مناقشه
--------------------------	------------------------	--

۵-۲. راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات پ.ک.ک و پژاک

جمهوری اسلامی ایران با درک چندبعدی بودن تهدید، راهبردهای جامعی را در سطوح مختلف به کار گرفته است:

۵-۲-۱. راهبرد امنیتی - نظامی: تقویت حضور مرزبانی و اجرای عملیات‌های پیش‌دستانه

براساس نظریه امنیت جمعی، راهبرد امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با پ.ک.ک و پژاک بر پایه دو محور "تقویت حاکمیت مرزی" و "عملیات پیش‌دستانه" استوار شده است. در چارچوب این نظریه، امنیت به‌عنوان کالای عمومی جمعی تعریف می‌شود که نیازمند همکاری همه بازیگران در سطح منطقه است. ایران با استقرار سامانه‌های نظارتی پیشرفته، ایجاد پاسگاه‌های مرزی جدید و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین پایش، به تقویت حضور مرزبانی پرداخته است. این اقدامات مبتنی بر رویکرد "امنیت فعال" بوده که هدف آن ایجاد لایه‌های متعدد امنیتی در مناطق مرزی است.

در بعد عملیاتی، راهبرد ایران بر اجرای عملیات‌های پیش‌دستانه در چهارچوب "پیشگیری فعال" متمرکز شده است. این راهبرد شامل انجام عملیات‌های اطلاعاتی - امنیتی برای شناسایی شبکه‌ها، اجرای حملات هدفمند علیه پایگاه‌های تروریستی و انهدام شبکه‌های لجستیک می‌باشد (ایرانی، ۱۳۹۲). براساس اصل "واکنش متناسب" در نظریه امنیت جمعی، ایران همکاری‌های منطقه‌ای را از طریق تشکیل ستادهای مشترک امنیتی و تبادل اطلاعات به‌صورت بلادرنگ توسعه داده است. این همکاری‌ها منجر به

ایجاد مکانیزم‌های واکنش سریع منطقه‌ای شده که امکان مقابله مؤثر را با تهدیدات فرامرزی فراهم می‌کند.

۲-۲-۵. راهبرد اقتصادی-اجتماعی: توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و مقابله با فقر

در چارچوب نظریه امنیت جمعی، راهبرد اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و مقابله با فقر، به‌عنوان یک راهبرد پیشگیرانه و پایدار برای مقابله با ریشه‌های ناامنی طراحی شده است. این رویکرد بر این اصل استوار است که فقر و محرومیت، بستر مناسب برای جذب نیرو توسط گروه‌های شورشی مانند پ.ک.ک و پژاک را فراهم می‌کند. بنابراین، با اجرای پروژه‌های عمرانی مانند احداث جاده‌ها، شبکه‌های آبرسانی، مراکز درمانی و مدارس، دولت ضمن بهبود شاخص‌های توسعه انسانی، هزینه‌های همکاری ساکنان محلی با گروه‌های معاند را افزایش می‌دهد. این اقدامات که ذیل مفهوم "امنیت‌سازی از طریق توسعه" قلمداد می‌شود، وفاق اجتماعی و سرمایه‌گذاری اعتماد عمومی را تقویت و مشروعیت حکمرانی دولت را در این مناطق تحکیم می‌کند (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

مکانیسم دوم این راهبرد، هدف قرار دادن مستقیم چرخه تأمین مالی گروه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی جایگزین برای جامعه محلی است. با راه‌اندازی طرح‌های اشتغال‌زایی، اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت به کشاورزان و توسعه صنایع کوچک، وابستگی معیشتی به شبکه‌های قاچاق که توسط پ.ک.ک و پژاک کنترل می‌شود، کاهش می‌یابد (همان: ۱۳۴). این امر نه تنها مدل اقتصادی این گروه‌ها را تضعیف می‌کند، بلکه براساس منطق "امنیت جمعی"، با حذف انگیزه‌های اقتصادی برای همکاری با تروریست‌ها، امنیت کل منطقه را به‌صورت یک کل به هم پیوسته،

ارتقا می‌دهد. در نتیجه، این راهبرد با درمان ریشه‌های اقتصادی ناامنی، به ایجاد یک سپر دفاعی پایدار و مقرون‌به‌صرفه در برابر تهدیدات نارکوتروریستی تبدیل می‌شود.

۳-۲-۵. راهبرد امنیت جمعی: گسترش همکاری‌های امنیتی با کشورهای همسایه

در چارچوب نظریه امنیت جمعی، راهبرد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر این اصل بنیادین است که امنیت یک کالای عمومی غیرقابل تجزیه است و تهدیدات فرامرزی چون پ.ک.ک و پژاک تنها از طریق همکاری جمعی قابل مهار هستند. بر اساس این، ایران با ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای مشترک، همانند کمیته‌های مشترک مرزی با ترکیه و عراق، به تبادل اطلاعات عملیاتی، هماهنگی در گشت‌زنی‌های مرزی و اجرای عملیات‌های مشترک ضدتروریستی می‌پردازد. این همکاری‌ها منجر به ایجاد یک "فضای امنیتی یکپارچه" می‌شود که در آن مرزهای سیاسی به مثابه مرزهای امنیتی عمل نکرده و توان گروه‌های تروریستی برای بهره‌برداری از شکاف‌های بین‌دولتی به حداقل می‌رسد.

۴-۲-۵. راهبرد فرهنگی-رسانه‌ای: خنثی‌سازی تبلیغات دشمن و تقویت هویت ملی

در چارچوب نظریه امنیت جمعی، راهبرد فرهنگی-رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر این اصل استوار است که امنیت پایدار تنها از طریق تقویت "سرمایه اجتماعی" و "انسجام هویتی" در سطح جامعه محقق می‌شود. این راهبرد با هدف مقابله با جنگ روانی و روایت‌سازی گروه‌های معاندی چون پ.ک.ک و پژاک، از دو محور اصلی تشکیل شده است: نخست، خنثی‌سازی تبلیغات حاوی گفتمان‌های تجزیه‌طلبانه و افراطی از طریق تولید و انتشار محتوای رسانه‌ای مستدل که بر ارزش‌های مشترک ملی و دینی تأکید می‌ورزد و دوم، ترویج و تقویت هویت ملی یکپارچه با بهره‌گیری از نمادها، رویدادها و شخصیت‌های تاریخی که بیان‌گر وحدت و یکپارچگی ملت ایران در عین تنوع قومی و فرهنگی هستند (دعاگویان، ۱۳۹۷: ۶۵). این اقدامات در راستای

ایجاد "ایمنی روانی-فرهنگی" و کاهش اثرپذیری جامعه از القائات مخرب طراحی شده‌اند. در سطح عملیاتی، این راهبرد مبتنی بر همکاری نهادهای فرهنگی، رسانه‌های جمعی و رهبران افکار محلی برای ایجاد "جبهه فرهنگی واحد" در برابر تبلیغات دشمن است. از طریق تولید برنامه‌های رسانه‌ای مشترک، برگزاری همایش‌های فرهنگی - هنری در مناطق مرزی و استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی بومی، گفتمان وحدت ملی و مقابله با خشونت‌طلبی تقویت می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۵). این فرآیند که ذیل مفهوم "امنیت‌سازی فرهنگی" در نظریه امنیت جمعی قرار می‌گیرد، نه تنها تاب‌آوری جامعه را در برابر القائات دشمن افزایش می‌دهد، بلکه با تقویت احساس تعلق جمعی، هزینه نفوذ و جذب نیرو توسط گروه‌های تروریستی را به سطحی غیرقابل تحمل می‌رساند. در نتیجه، این راهبرد با دفاع از عرصه فرهنگی - رسانه‌ای، به‌عنوان سپری نرم در کنار اقدامات سخت امنیتی عمل می‌کند.

۵-۲-۵. راهبرد حقوقی-قضایی: پیگیری حقوقی بین‌المللی و مقابله با پولشویی

در سطح عملیاتی، این راهبرد با ایجاد همکاری‌های قضایی منطقه‌ای و تشکیل پرونده‌های مشترک علیه شبکه‌های مالی پ.ک.ک و پژاک، در پی محروم کردن این گروه‌ها از منابع مالی است. از طریق استرداد مجرمان، انجماد دارایی‌ها و پیگرد قانونی عوامل پولشویی، "هزینه عملیاتی" برای تروریست‌ها به‌شدت افزایش می‌یابد (نجفی، ۱۴۰۱: ۲۴۳). این اقدامات که در چهارچوب "حقوق بین‌الملل مبارزه با تروریسم" و "مقررات مبارزه با پولشویی" انجام می‌شود، نه تنها توان اقتصادی این گروه‌ها را تحلیل می‌برد، بلکه با ایجاد فضای ناامن برای تأمین مالی آن‌ها در سطح بین‌المللی، امنیت جمعی کشورهای منطقه را به‌صورت یک کل به هم پیوسته تقویت می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل راهبردهای نارکوتروریستی گروه‌های پ.ک.ک و پژاک در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که این پدیده به یک تهدید امنیتی چندبعدی و پیچیده برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. براساس چارچوب نظری مکتب کپنهاگ، فعالیت‌های این گروه‌ها ابعاد مختلف امنیت ملی ایران شامل امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تحت تأثیر قرار داده است. راهبردهای نارکوتروریستی این گروه‌ها از جمله ایجاد اقتصاد جنگی، بهره‌برداری از شکاف‌های امنیتی مرزی، اجرای جنگ ترکیبی و توسعه شبکه‌های فراملی جرم، نشان از تحول الگوی تهدیدات امنیتی در منطقه دارد.

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این تهدیدات، راهبردهای جامعی در چارچوب نظریه امنیت جمعی اتخاذ کرده است. این راهبردها شامل اقدامات امنیتی - نظامی، توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، مقابله فرهنگی - رسانه‌ای و پیگیری حقوقی بین‌المللی بوده است. اگرچه این راهبردها در کوتاه‌مدت موجب کنترل نسبی تهدیدات شده، اما ماهیت فرامرزی و چندبعدی پدیده نارکوتروریسم، لزوم تدوین راهبردهای جامع‌تر و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای را بیش از پیش آشکار ساخته است. درنهایت، مقابله مؤثر با تهدید نارکوتروریستی پ.ک.ک و پژاک مستلزم درک عمیق‌تر از پیچیدگی‌های این پدیده و اتخاذ رویکردی یکپارچه، چندبعدی و فراملی است. تداوم و تقویت همکاری‌های امنیتی با کشورهای همسایه، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی در مناطق مرزی، تقویت انسجام اجتماعی و هویت ملی و پیگیری مستمر حقوقی بین‌المللی می‌تواند در بلندمدت امنیت پایدار را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد. این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد امنیت جمعی به‌عنوان چارچوبی نظری، ظرفیت بالایی برای تحلیل و مقابله با چنین تهدیدات پیچیده‌ای دارد.

فهرست منابع

- ایرانی، آوات (۱۳۹۲). گروه تروریستی پژاک، از آپوگرایی در ارتفاعات قندیل تا سودای کردستان بزرگ. تهران: انتشارات خیرگزاری فارس.
- احمدزاده، داوود (۱۴۰۲). «حضور نیروهای معاند در اقلیم کردستان و پیامدهای امنیتی آن برای ج.ا. ایران». مطالعات راهبردی جهان اسلام، (۵) ۹۰: ۶۰-۳۵.
- اعظمی، هادی و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۱). «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپولیتیکی ایران در آسیای مرکزی». فصل‌نامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، ش ۴۰: ۲۵-۴۶.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل. ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و اولی ویور (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها. ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورموسوی، سیدموسی؛ رهنما قره‌خان‌بگلو، جهان‌بخش؛ میرزازاده کوه‌شاهی، مهدی. (۱۳۸۹). «فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران». آفاق امنیت، ۳(۹): ۱۳۶-۱۲۱.
- داداندیش، پروین و کوزه‌گرکالچی، ولی (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی». فصل‌نامه راهبرد، سال نوزدهم، ش ۵۶: ۷۳-۱۰۷.
- دارا، جلیل و طالشی، کوثر (۱۴۰۴). «تأثیر ناسیونالیسم قوم‌گرا بر تروریسم قومی (مطالعه موردی: پژاک)». مطالعات سیاسی بین‌النهرین، (۳) ۱۰: ۱۴۱-۱۱۱.
- دعاگویان، داوود. (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی انتظامی و امنیتی تنوع قومی پان‌ترکیسم و پان‌کردیسم در استان آذربایجان غربی (شهر ارومیه)». پژوهش‌نامه جغرافیایی انتظامی، ۶(۲۳): ۷۴-۵۱.
- رضایی، رضا؛ قربانزاده، قربان‌علی؛ قاسمی، حاکم؛ هاشمی، سیدعباس. (۱۴۰۳). «آینده پژوهی گفتمان ناسیونالیسم کردی در ایران». آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۵(۴): ۱۶۶-۱۳۶.

رکابیان، رشید؛ شفیعی، صادق و پادروند، مهدی (۱۴۰۳). «نارکوتروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی». فصل‌نامه سیاست خارجی، سال ۳۸، ۳ (۱۵۱): ۹۸-۷۳.

سازمند، بهاره و جوکار، مهدی (۱۳۹۵). «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس». فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، ۲ (۱۲): ۱۷۷-۱۵۱. صالحیان، تاج‌الدین و پادروند، مهدی (۱۳۹۹). «نارکوتروریسم در آسیای مرکزی: تهدیدهای پیش رو و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه برای مقابله با آن. فصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سیزدهم، ۲ (۲۷): ۵۱۱-۴۹۱.

عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: انتشارات ابرار معاصر. عراقی، عبدالله؛ هدایتی، فتح‌الله و عمادی‌زاده، علی (۱۴۰۲). «شناسایی عوامل مؤثر بر رشد فعالیت‌های گروهک پژاک در غرب کشور و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». غرب آسیا، سال اول، ۳: ۳۸-۵۲.

قاسمی‌حیدری، مصطفی؛ معصومی، مجید و اژدری، بهناز (۱۳۹۹). «استقلال‌خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران». مطالعات بین‌المللی، ش ۶۵: ۸۷-۱۱۴.

قوام، عبدالعلی و پادروند، مهدی (۱۳۹۸). «نارکو تروریسم و تهدیدهای پیش روی راهبرد سیاست خارجی چین در آسیای میانه». فصل‌نامه روابط خارجی، ۲: ۶۷-۳۴. قیصری، نوراله (۱۳۹۳). «مکاتب امنیتی: نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرش نوین». فصل-نامه آفاق امنیت، سال هفتم، ۲۲: ۵۶-۲۷.

نجفی، علیرضا (۱۴۰۱). «تحلیل اطلاعات و اولویت‌بندی اقدامات و تحرکات گروهک تروریستی پژاک». پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال هفدهم، ۱: ۲۴۳.

Altuntas, Atila. (2022). "Sweden's Left Party leader chides MPs for posing with PKK terror group's symbol". Available at:

- <https://www.aa.com.tr/en/europe/swedens-left-party-leader-chides-mps-for-posing-with-pkk-terror-groups-symbol/2660053>. Accessed on: February 12, 2022.
- Andreas, Peter. (2009). *Border Games: Policing the U.S.-Mexico Divide* (2nd ed.). Cornell University Press.
- Arquilla, John & Ronfeldt, David. (2001). *Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy*. RAND Corporation.
- Bergman, Marcelo. (2018). *Illicit Networks and Politics in Latin America*. Oxford University Press.
- Buzan, Barry. (2000). *The Logic of Regional Security in the Post Cold War World*. London: Macmillan Press, pp. 13-22.
- Buzan, Barry & Waver, Ole. (1997). "Slippery? Contradictory? Sociologically Untenable? The Copenhagen School Replies?". *Review of International Studies*, Vol. 23, No. 2, pp. 241-250.
- Enders, Walter. (2022). "The Globalization of Protest: The PKK-PJAK's Hybrid Warfare and Information Operations." *Studies in Conflict & Terrorism*, 45(5), pp. 1-25. DOI: 10.1080/1057610X.2022.2052170.
- Gryzmala-Busse, Anna. (2020). *Shadow Governance: How Illicit Networks Rule*. Princeton University Press.
- Hartelius, Jonas. (2008). *Narco Terrorism Policy Paper*. East West Institute and the Swedish Carnegie Institute.
- Haupt, David. A. (2009). *Narco Terrorism: An Increasing Threat to U.S National Security*. A Master Thesis Submitted to the Faculty of the Joint Forces Staff College, Joint Advanced Warfighting School. Thesis Advisor: Dr. Paul Melshen.
- Hazelton, Jacqueline L. (2021). "The 'Hearts and Minds' of Reconstruction: The Effect of Aid on Insurgent Violence in the Middle East." *Journal of Global Security Studies*, 6(3), pp. 1-20.
- Hoffman, Frank G. (2007). *Conflict in the 21st century: The rise of hybrid wars*. Potomac Institute for Policy Studies.
- James, Brandon. (2018). "Party for a Free Life in Kurdistan: The Iranian Wing of the PKK Will Gain Power." *Foreign Policy*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/01/25/how-to-stop-the-war-between-turkey-and-the-syrian-kurds/>. Accessed on: January 25, 2018.

- Khodary, Yasmin & Mohsen, Nada. (2023). "The Kurdish Women in Turkey: Agency in the Face of Oppression". Available at: https://journals.ekb.eg/article_345944_340632b1025e9f1329683dffcafdfff6.pdf. Accessed on: January 12, 2023.
- Mashregh News. (2023). [Online News Article]. Available at: <https://www.mashreghnews.ir/17/2/1402>. Accessed on: [Date of Access].
- Tuopal Mustafa.Kamal (2024). "Women Fighters in the Kurdish National Movement: Transforming Gender Politics and the PKK". Available at: <https://forskning.ruc.dk/en/publications/women-fighters-in-the-kurdish-national-movement-transforming-gend>. Accessed on: February 22, 2024.
- Nissen, Thomas Elkjer. (2015). *The Weaponization of Social Media: Characteristics of Contemporary Conflict*. Royal Danish Defence College.
- Palmer, Alexander. (2016). "Examining Extremism: Kurdistan Workers' Party (PKK)". Available at: <https://www.csis.org/blogs/examining-extremism/examining-extremism-kurdistan-workers-party-pkk>. Accessed on: February 26, 2016.
- Tahiri, Hussein. (2007). *The Structure of Kurdish Society and the Struggle for a Kurdish State*. Costa Mesa, California: Mazda Publications, pp. 232 ff.
- Tilly, Charles. (1978). *From Mobilization to Revolution*. Addison-Wesley Publishing Company.
- UNODC. (2022). *World Drug Report 2022*. United Nations Office on Drugs and Crime.
- Verma & Ali, Shahid. (2023). "How the Islamic State Rivalry Pushes the Taliban to Extremes". [Journal Name Not Provided] , Winter 2023, Pages 42-55. Accessed on: November 10, 2023.
- Williams, Phil. (2001). "Transnational Criminal Networks". In John Arquilla & David Ronfeldt (Eds.) , *Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy* (pp. 61-97). RAND Corporation.



پرویشگاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی